

## بررسی دیدگاه ابن جوزی در باره حدیث «انامدینه العلم و علی بابها» از منظر علما اهل سنت

□ رحمت الله حمیدی \*

### چکیده

یکی از منابع حدیثی دارای آسیب، کتاب الموضوعات ابن جوزی است که ایشان برخی از احادیث فضائل اهل بیت علیهم السلام را من جمله حدیث «انامدینه العلم و علی بابها» مورد نقد قرار داده و جعلی دانسته است. این حدیث یکی از روایاتی است که بر عصمت، اعلیّت، افضلیّت، راه رسیدن به علم رسول خدا، حافظ علوم رسول خدا و وجوب رجوع به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دلالت دارد. تاکنون دیدگاه ابن جوزی را به صورت جزئی کسی نقد نکرده است که در تحقیق پیشرو به ارزیابی دیدگاه ایشان در مورد این حدیث پرداخته شده و به این نتیجه دست یافته است که دیدگاه ابن جوزی در موضوعه بودن این حدیث و جعلی بودن آن صحیح نیست چراکه سند این حدیث صحیح بوده و دارای اصل و ریشه می باشد.

واژگان کلیدی: امیر المؤمنین علیه السلام، حدیث مدینه العلم، ابن جوزی، الموضوعات..

### مقدمه

یکی از منابع حدیثی که دارای آسیب است و نیاز به نقد دارد کتاب‌های نوشته در این مورد می‌باشد. یکی از کتاب‌ها نوشته شده الموضوعات ابن جوزی است که ایشان برخی از احادیث فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را من جمله حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها» مورد نقد قرار داده است. این حدیث یکی از روایات است که بر عصمت، اعلی‌ت، افضلیت، راه رسیدن به علم رسول خدا، حافظ علوم رسول خدا و وجوب رجوع به حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام دلالت دارد. ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن جوزی (۵۱۰-۵۹۷ق) در الموضوعات این حدیث را جعلی دانسته است. ما در این تحقیق دیدگاه ابن جوزی را در مورد این حدیث از منظر علما رجالی و حدیثی اهل سنت بررسی می‌کنیم.

### پیشینه پژوهش

دیدگاه ابن جوزی در مورد این حدیث به صورت مستقل مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است بلکه در ضمن نقد کتاب الموضوعات به صورت کلی به نقد دیدگاه ابن جوزی نیز پرداخته است. تنها پژوهشی که به این حدیث پرداخته و در ضمن به دیدگاه ابن جوزی نیز اشاره داشته است؛ کتاب «انا مدینه العلم و علی بابها» سید علی حسنی میلانی است. ایشان در فصل چهارم این کتاب در صفحه ۱۲۰ تا ۱۲۸ دیدگاه ابن جوزی را باطل دانسته و با تبیین دیدگاه علمای اهل سنت در مورد کتاب الموضوعات که ابن جوزی احادیث صحیح و حسن را که در کتب صحاح آمده مورد نقد قرار داده است که حدیث مدینه العلم از همین موارد می‌باشد. بزرگان حدیثی اهل سنت بر صحت و حسن بودن آن تصریح نمودند. ولی جا دارد که دیدگاه ابن جوزی در مورد این حدیث به صورت ویژه تبیین و تحلیل شود. و از این جهت این تحقیق نو بوده که به صورت ویژه به دیدگاه ابن جوزی در مورد این حدیث را به نقد و بررسی گرفته است.

### دیدگاه ابن جوزی در الموضوعات

کتاب الموضوعات از آثار ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن جوزی (۵۱۰م-۵۹۷ق) است.

نویسنده در این اثر ابواب مختلف در زمینه کلام، فقه، اخلاق و فضائل جمع آوری و به عنوان احادیث موضوعه و ساختگی معرفی نموده است. یکی از ابواب این کتاب بخش فضائل است که در این بخش به ۵۹ فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام را نوشته و مورد نقد قرار داده و آنان را مجعول و موضوع دانسته است. یکی از آن فضائل حدیث «انا مدینة العلم و علی بابها» است که در (جلد اول صفحه ۳۴۹) از سه طریق از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است که الفاظ متفاوت نیز دارد. ابن جوزی به دو صورت این حدیث را مورد نقد قرار داده است. در ابتدا طرق احادیث را بیان و آسانید را مورد نقد قرار می دهد. و در مرحله دوم اصل حدیث را بی ریشه و موضعه دانسته است..

## مرحله اول نقد سند حدیث

### ۱. طریق حضرت علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام این حدیث را از پنج طریق از پیامبر اکرم نقل می فرماید:

۱-۱. أَنبَأَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الرَّأغُونِيُّ قَالَ أَنبَأَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبُسْرِيِّ قَالَ أَنبَأَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَطَّةَ الْعُكْبَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الصَّوَّافِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُسْلِمٍ إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ الرَّومِيَّ قَالَ حَدَّثَنَا شَرِيكٌ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ عَنِ الصَّنَابِجِيِّ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَنَا دَارُ الْحِكْمَةِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا".

۱-۲. أَنبَأَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْبَاقِيِّ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ أَنبَأَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَحْمَدَ الْحَدَّادِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو نُعَيْمٍ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ قَالَ أَنبَأَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْجُرْجَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ سُفْيَانَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنُ بَحْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا شَرِيكٌ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ عَنِ الصَّنَابِجِيِّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَنَا دَارُ الْحِكْمَةِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا".

۱-۳. أَنبَأَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَنبَأَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبُسْرِيِّ قَالَ أَنبَأَنَا عبيد الله بن مُحَمَّدٍ الْعُكْبَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ النَّحْوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ نَاجِيَةَ قَالَ حَدَّثَنَا [أَبُو] مَنْصُورٍ شُجَاعٌ بْنُ شُجَاعٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنِ حَبْرٍ الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا شَرِيكٌ قَالَ

حَدَّثَنَا سَلَمَةُ بْنُ كَهِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَنَا مَدِينَةُ الْفَقْهِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا".

۴-۱. رَوَاهُ أَبُو بَكْرٍ ابْنُ مَرْدَوَيْهِ مِنْ حَدِيثِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَرِيرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنِ الشَّعْبِيِّ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَنَا دَارُ الْحِكْمَةِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا".

۵-۱. رَوَاهُ ابْنُ مَرْدَوَيْهِ مِنْ طَرِيقِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ".

### نقد دیدگاه ابن جوزی بر طریق امام علی عليه السلام

۱. در طریق اول ابن جوزی "محمد بن عمر الرومی" را به نقل از ابن حبان می نویسد: که ایشان احادیث جعلی را از ثقات نقل می کردند در حال که از ثقات نبودند و احتجاج به ایشان صحیح نیست.

۱-۱. محمد بن عمر بن عبدالله رومی اهل بصره عراق است. (ابن حبان، ۱۳۹۳ هـ. ص. ج ۹، ص ۷۱) محمد بن عیسی ترمذی صحیح شان دو حدیث از ایشان در بخش مناقب نقل نموده است و بعد از نقل روایت اول که حدیث مدینه العلم هست می نویسد «هذا حدیث غریب منکر». ولی در مورد حدیث دوم که در فضیلت زید بن حارث هست؛ می نویسد: «هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ غَرِيبٌ لَا نَعْرِفُهُ إِلَّا مِنْ حَدِيثِ ابْنِ الرَّوْمِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُسْهَرٍ» (ترمذی، ۱۴۱۹ هـ. ق. ص. ج ۵، ص ۴۵۵ و ۴۹۲).

۲-۱. ابن جوزی در الموضوعات به نقل از ابن حبان ایشان را تضعیف کرده است در حال که ابن حبان اسم ایشان را در کتاب الثقات خود بدون هیچ جرحی ذکر می کنند. (ابن حبان، ۱۳۹۳ هـ. ص. ج ۹، ص ۷۱) و در مقدمه این کتاب ابن حبان می نویسد: «وَلَا أَذْكَرُ فِي هَذَا الْكِتَابِ الْأَوَّلِ إِلَّا الثَّقَاتَ الَّذِينَ يَجُوزُ الْإِحْتِجَاجُ بِخَبَرِهِمْ.» (ابن حبان، ۱۳۹۳ هـ. ص. ج ۱، ص ۱۱) و نیز در مقدمه روات که از اتباع تابعین روایت می کند و محمد بن عمر رومی نیز از این طبقه هست می نویسد: «فَكُلُّ خَبَرٍ رَوَاهُ شَيْخٌ مِنْ هَؤُلَاءِ الشُّبُوحِ الَّذِينَ نَذَرَهُمْ بِمَشِيَةِ اللَّهِ وَتَوْفِيقِهِ فِي كِتَابِنَا هَذَا فَإِنَّ ذَاكَ الْخَبَرَ صَحِيحٌ.» (ابن حبان، ۱۳۹۳ هـ. ص. ج ۸، ص ۲) و اگرچه این روای در منابع

رجالی اهل سنت تضعیف نشده است ولی به صورت مجهول بیان شده باشد در نهایت این حدیث می تواند ضعیف باشد نه مجعول و در صورتی می توان حکم به جاعل بودند راوی نمود که در منابع رجالی به واضع بودن او تصریح شده باشد. در حال که در مورد محمد بن عمر رومی که پدرش شأن توثیق شده است کسی از رجالیان اهل سنت تصریح به جاهل بودن ایشان نکرده است.

۲. در طریق دوم و سوم "عبدالحمید بن بحر" آمده است که اسم کامل ایشان "عبدالحمید بن بحر أبو الحسن العسکری" هست. ابن عدی ایشان را ضعیف و سارق حدیث از ثقات می داند. (بن عدی الجرجانی، ۱۴۱۸هـ، ص. ۷، ج. ۷، ص ۱۱) و در کتب رجالی اهل سنت برگرفته از ابن حبان ضعیف و سارق حدیث می داند.

۳. در طریق چهارم "محمد بن قیس" آمده که ابن جوزی ایشان را مجهول می داند. و اکنون باید روش شود که این "ابن قیس" کیست؟

۱-۳. روایت که ابن جوزی نقل می کند از محمد بن قیس است که از شعبی و او از وکیع روایت نقل می کند. و ابن حبان در ثقات آورده که محمد بن قیس اسدی اهل کوفه با کنیه ابو قدامه از شعبی روایت نقل می کند. «مُحَمَّدُ بْنُ قَيْسِ الْأَسَدِيِّ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ كُنِيَّةُ أَبُو قَدَامَةَ وَقَدْ قِيلَ أَبُو نَصْرٍ رَوَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِيعَةَ وَالشَّعْبِيِّ رَوَى عَنْهُ الثَّوْرِيُّ وَوَكَيْعٌ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (ابن حبان، ۱۳۹۳ هـ، ص. ۷، ج. ۷، ۴۲۷). و اگر محمد بن قیس این شخص باشد که ثقة است کما اینکه ابن حبان نیز بیان نموده است.

۲-۳. ابن حجر عسقلانی در کتاب تهذیب التهذیب آورده که "محمد بن قیس اسدی" از "شعبی" روایت می کند. و وکیع از ایشان روایت نقل می کند. ابن معین و ابو داوود و نسائی و ابن حبان و ابوحاتم ایشان را ثقة می دانند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶ هـ، ص. ۹، ج. ۹، ص ۴۱۲-۴۱۳) و پس معلوم می شود که "محمد بن قیس" که در الموضوعات از "شعبی" روایت نقل می کند همان "محمد بن قیس اسدی" باشد که مجهول نیست بلکه توثیق شده است. و نیز تنها "محمد بن قیس" که از "شعبی" روایت می کند نیز همین هست. و من کسی دیگر را به این اسم علی تحقیقی نیافتم که از "شعبی" روایت نقل کند. ابی حاتم رازی نیز همین بیان را آورده که "محمد

بن قیس اسدی " از "شعبی و علی بن ربیعہ" روایت نقل می‌کند. و از احمد بن حنبل نقل می‌کند که روایت وکیع از محمد بن قیس ثقه است. (ابی حاتم رازی، ۱۲۷۱ هـ. ص. ۸، ص. ۶۱) ۳-۳. در صحیح مسلم نیز محمد بن قیس اسدی از "علی بن ربیعہ" روایت نقل می‌کند که این نیز می‌تواند مؤید باشد چون ابن حبان و ابن حجر آورده که محمد بن قیس اسدی از "شعبی و علی بن ربیعہ" روایت نقل می‌کند. (مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲ هـ. ص. ۱، ص. ۱۰) ۳-۴. نسائی در سنن خود روایت را ذکر می‌کند که وکیع از محمد بن قیس و از شعبی روایت نقل می‌کند در حال که سنن نسائی از صحاح سته می‌باشد. (نسائی، ۱۴۱۱ هـ. ص. ۴، ص. ۱۸۱) ۳-۵. در طریق پنجم ابن جوزی بیان می‌کند که مجاهیل آمده‌اند.

## نتیجه

محمد عمر رومی که ابن جوزی در طریق اول جاعل حدیث می‌داند نه تنها جاعل نیست بلکه ابن حبان ایشان را در ثقات خود آورده است. همچنین در منابع رجالی اهل سنت کسی تصریح به واضع بودن ایشان نکرده است. و نیز ترمذی در صحیح، دو روایت از ایشان نقل می‌کند که روایت شان را حسن می‌داند. طریق سوم شخصی به نام "عبد الحمید بن بحر" آمده که ایشان ضعیف و جاعل حدیث دانسته شده است. در طریق چهارم "محمد بن قیس" آمده است که ابن جوزی آن را مجهول می‌داند. و کلام ایشان قابل نقد است چرا که روایت مذکور را محمد بن قیس از شعبی نقل می‌کند. و تنها کسی روایت از شعبی نقل می‌کند "محمد بن قیس اسدی" است که ایشان را بزرگان رجالی اهل سنت و حتی ابن حبان از ثقات می‌داند.

## ۲. طریق ابن عباس

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب این حدیث شریف را از ده طریق از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند:

۱-۲. الطَّرِيقُ الْأَوَّلُ: أُنْبَأَنَا أَبُو مَنْصُورَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ أُنْبَأَنَا أَبُو بَكْرٍ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ أُنْبَأَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الصَّمِيرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الصَّمِيرِيُّ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي حُصَيْنٍ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَبُو جَعْفَرٍ الْحَضْرَمِيُّ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ

بُنُّ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِي الْفَقِيهٖ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ".

۲-۲. أَنبَاءُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ أَنبَاءُ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ أَنبَاءُ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَتِيقِيُّ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الشَّاهِدُ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ أَحْمَدُ بْنُ فَاذَوِيهِ الطَّحَّانُ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَزِيدَ بْنِ سُلَيْمٍ قَالَ حَدَّثَنِي رَجَاءُ بْنُ سَلَمَةَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ الضَّرِيرِيُّ [الضَّرِيرِيُّ] عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ".

۲-۳. أَنبَاءُ أَبُو مَنْصُورٍ الْقَزَازِيُّ قَالَ أَنبَاءُ أَبُو بَكْرٍ بْنُ ثَابِتٍ قَالَ أَنبَاءُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُظْفَرِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَابُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُجَالِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ الضَّرِيرِيُّ [الضَّرِيرِيُّ] عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ".

۲-۴. أَنبَاءُ عَلِيُّ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ قَالَ أَنبَاءُ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْبَسْرِيِّ قَالَ أَنبَاءُ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعُكْبَرِيُّ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَزِيدَ الرَّعْفَرَانِيُّ حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُجَالِدٍ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ بَابَهَا فَلْيَأْتِ عَلِيًّا".

۲-۵. أَنبَاءُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ أَنبَاءُ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ أَنبَاءُ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ رَزْقٍ قَالَ أَنبَاءُ أَبُو بَكْرٍ مُكْرِمُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُكْرِمِ الْقَاضِي قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْإِنْبَارِيِّ قَالَ أَنبَاءُ أَبُو الصَّلْتِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنُ صَالِحِ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ مَيْسَرَةَ الْهَرَوِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا".

۲-۶. أَنبَاءُ إِغْمَاعِيلِ بْنِ أَحْمَدَ السَّمَرْقَنْدِيِّ قَالَ أَنبَاءُ إِسْمَاعِيلِ ابْنِ مَسْعَدَةَ قَالَ أَنبَاءُ حَمْرَةَ بْنِ يَوْسُفَ قَالَ أَنبَاءُ أَبُو أَحْمَدَ بْنِ عَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ مُوسَى بْنِ عَدِيِّ قَالَ أَنبَاءُ أَحْمَدُ بْنُ سَلَمَةَ أَبُو عَمْرٍو الْجُرْجَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ مُجَاهِدٍ

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا فَمَنْ أَرَادَ مَدِينَةَ الْعِلْمِ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا".

۷-۲. أَنبَأَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ خَيْرُونَ قَالَ أَنبَأَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَسْعَدَةَ قَالَ أَنبَأَنَا حَمْرَةَ قَالَ أَنبَأَنَا ابْنُ عَدَى قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ حَفْصٍ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عُقْبَةَ أَبُو الْفَتْحِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْأَعْمَشُ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ قِبَلِ بَابِهَا".

۸-۲. أَنبَأَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَحْمَدَ أَنبَأَنَا ابْنُ مَسْعَدَةَ أَنبَأَنَا حَمْرَةَ أَنبَأَنَا ابْنُ عَدَى حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْعَدَوِيُّ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ رَاشِدٍ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ حَدَّثَنَا الْأَعْمَشُ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ، وَعَلَى بَابِهَا فَمَنْ أَرَادَ مَدِينَةَ الْعِلْمِ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا".

۹-۲. أَنبَأَنَا أَبُو مَنْصُورٍ بْنُ خَيْرُونَ قَالَ أَنبَأَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيُّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الدَّارِقُطْنِيِّ عَنْ أَبِي حَاتِمِ الْبُسْتِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِسْحَاقَ الْأَصْبَهَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يُونُسَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عبيد القاسمِ ابْنِ سَلَامٍ عَنْ أَبِي مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا، فَمَنْ أَرَادَ الدَّارَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ قِبَلِ بَابِهَا".

۱۰-۲. رَوَاهُ أَبُو بَكْرٍ بْنُ مَرْدَوَيْهِ مِنْ حَدِيثِ الْحَسَنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مَحْمُودِ بْنِ خِدَاشٍ عَنْ أَبِي مُعَاوِيَةَ.

### نقد دیدگاه ابن جوزی در طریق ابن عباس

۱. در طریق اول ابن عباس، "جعفر بن محمد بغدادی" قرار دارد که متهم به سرقت این حدیث می‌باشد. و ایشان طبق بیان شمس‌الدین ذهبی "جعفر بن محمد الفقیه" می‌باشد که مجهول هست و حدیث «انا مدینه العلم» را نقل کرده است. ولی با توجه به اینکه ایشان مجهول هست حکم به موضوع بودن حدیث نموده است. و می‌نویسد "هذا موضوع" (الذهبی، ۱۳۸۲ هـ ص. ج ۱ ص ۴۱۵) و ابن حجر عسقلانی نقد وارد نموده می‌نویسد: «وهذا الحديث له طرق كثيرة فی



مستدرک الحاکم أقل أحوالها أن يكون للحديث أصل فلا ينبغي أن يطلق القول عليه بالوضع» (ابن حجر العسقلانی، ا.، ۲۰۰۲ م، ص. ۱) ج ۲، ص ۴۶۵). و این بیان ابن جوزی « وَهُوَ مُتَّهَمٌ بِسَرِقَةٍ هَذَا الْحَدِيثِ » که در مورد جعفر بن محمد بغدادی الفقیه می آورد صرف ادعا است. و در منابع رجالی اهل سنت کسی ادعا به واضح و سارق بودن حدیث در مورد ایشان نکرده است. بلکه تصریح به مجهول بودن ایشان نموده است و اینکه ایشان مجهول باشد و حدیث طریق صحیح و حسن دیگر نیز داشته باشد؛ سبب نمی شود که حکم به وضع بودن حدیث نماییم.

۲. در طریق دوم ابن عباس "رجاء بن سلمه" ما دو تا "رجاء بن سلمه" در منابع رجالی اهل سنت داریم. "رجاء سلمه فلسطینی" است که ابن حبان در ثقات نقل کرده است و دیگری که "رجاء ابن سلمه التمیمی" که فرزند "سلمه بن رجاء" اهل بصره عراق است و سلمه بن رجاء "از ثقات هست که ابن حبان در "الثقات" آورده است. (ابن حبان، ۱۳۹۳ هـ، ص. ۸، ج ۸، ص ۲۸۷). ولی ابن جوزی مشخص نکرده است که منظورش کدام رجاء بن سلمه می باشد. و رجاء بن سلمه تمیمی در منابع رجالی اهل سنت توثیق نشده است و تنها کسی که نسبت سرقت حدیث به ایشان می دهد ابن جوزی است. کما اینکه ابن حجر عسقلانی به این مطلب اشاره دارد. (ابن حجر العسقلانی، ا.، ۲۰۰۲ م، ص. ۲، ج ۲، ص ۴۵۶) و این مطلب در رجال اهل سنت خوب تبیین نشده است که "رجاء بن ابی سلمه تمیمی" و "رجاء بن سلمه فلسطینی" که ساکن بصره عراق بوده یکی است یا نه فرق می کند. ولی شخص دوم توثیق شده است و در مورد شخص اول مدح و ذم ذکر نشده است. و در کتب رجالی برخی به صورت مطلق بیان و توثیق نموده است. اگر "رجاء بن ابی سلمه" همان "رجاء بن سلمه مهران فلسطینی" می باشد که ثقة است. ولی اگر کسی غیر از این باشد کسی دیگر به جز ابن جوزی نسبت سرقت به ایشان نداده است.

۳. در طریق سوم و چهارم "عُمَرُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُجَالِدٍ" که یحیی بن معین او را کذاب دانسته است. اسم کامل ایشان "عُمَرُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُجَالِدٍ بْنِ سَعِيدِ الْهَمْدَانِيِّ" که بسیاری از بزرگان اهل سنت ایشان را ضعیف می داند. ولی در سنن ترمذی که یکی از صحاح سته هست پنج حدیث از ایشان نقل می کند و در آخر آن را صحیح و حسن می داند. (ترمذی، ۱۴۱۹ هـ، ق، ص. ج ۴؛ ص ۳۱۰ و ۳۷۷، ج ۵؛ ص ۱۹۹ و ۳۰۸ و ۴۳۰).

۴. در طریق پنجم "أبو الصلت عبد السلام بن صالح بن سليمان بن ميسرة الهروي" را ابن جوزی کذاب دانسته و ایشان را جاعل حدیث بر "ابی معاویه" دانسته است. و قائل هست که جماعتی از محدثین این حدیث را از "اباصلت هروی" سرقت نموده است. بزرگان اهل سنت "ابا صلت هروی" را توثیق نموده حتی بعضی صریح گفته‌اند که ابا صلت هروی جرمی جز شیعه بودن ندارد. و این در حال است که مذهب ابا صلت در بین رجالیان شیعه اختلافی است و بعضی ایشان را عامی می‌دانند. مانند شیخ طوسی ره (طوسی طوسی، ۱۳۸۹، ص. ۱۵)

۱-۱. حاکم اباصلت را ثقه و امین می‌داند و در مستدرک می‌نویسد: «أبو الصلت ثقة مأمون». حاکم در مستدرک به سند صحیح از ابن عباس بن محمد دوری نقل می‌کند که گفت من از یحیی بن معین در مورد ابا الصلت هروی پرسیدم؟ ایشان گفت او ثقه است. و گفتیم آیا او از ابی معاویه و از اعمش حدیث «انا مدينة العلم» را نقل نمی‌کند؟ گفت محمد بن جعفر فیدی در مورد ابا الصلت گفت که اول ثقه و امین است. (أبو عبد الله الحاكم، ۱۴۱۱ق، ص. ج ۳، ص ۱۳۷) و (الألبانی، ۱۴۱۲ هـ، ص. ج ۶، ص ۵۲۳) و نیز حدیث باب علم النبی صلی الله علیه و اله و سلم را از سه طریق صحیح نقل می‌کنند که در یکی از سندها ابا صلت هروی است. (أبو عبد الله الحاكم، ۱۴۱۱ق، ص. ج ۳، ص ۱۳۷-۱۳۸)

۲-۱. یحیی بن معین ابا صلت را ثقه و راست گو می‌داند چنانچه خطیب بغدادی می‌نویسد: عمر بن حسن بن علی مالک می‌گوید: از پدرم شنیدم که می‌گفت: از یحیی بن معین در مورد ابا صلت پرسیدم گفت: او ثقه و راست گو است جز اینکه او شیعه است. و نیز از ابراهیم بن عبدالله بن جنید نقل می‌کند که از یحیی بن معین در مورد اباصلت پرسیدم و او گفت: از ابا صلت دروغ نشنیدم. و همچنین از قاسم نقل می‌کند که از یحیی بن معین در مورد این حدیث سؤال کردم گفت این حدیث صحیح است. در ادامه خطیب بغدادی در مورد ابا صلت هروی می‌نویسد: "كان أبو الصلت رجلا موسرا، يطلب هذه الأحاديث ويكرم المشايخ، وكانوا يحدثونه بها" (أبو زكريا، ۱۴۰۵ق، ص. ج ۱، ص ۷۹) و (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ هـ، ص. ج ۱۲، ص ۳۵۱)

۳-۱. عجلی کوفی در مورد اباصلت هروی می‌نویسد: عبدالسلام بن صالح [اسم اباصلت هروی] ثقه است. (العجلی الكوفی، ۱۴۰۵ هـ، ص. ۳۰۳)

بررسی دیدگاه ابن جوزی در باره حدیث «انامدینة العلم و علی بابها» از منظر علما اهل سنت □ ۸۹

- ۴-۱. ابو داوود سجستانی در مورد ابا صلت می‌گوید «کان ضابطا» و امام اهل حدیث یحیی بن معین ایشان را ثقه می‌داند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶ هـ، ص. ج ۶، ص ۳۲۲)
- ۵-۱. ابن شاهین در مورد ابا صلت هروی می‌نویسد: او ثقه و راستگو است جز اینکه او شیعه و اسم او عبدالسلام بن صالح است. (ابن شاهین، ۱۴۰۴ ق. ص. ۱۵۶)
- ۶-۱. أبو یعلی الخلیلی درباره‌ای ابا صلت هروی می‌نویسد: "لَمْ نَكْتُبُهُ مِنْ حَدِيثِ أَبِي الصَّلْتِ عَنْ مَالِكٍ إِلَّا عَنْهُ، وَالرَّوَايَ عَنْهُ ثَقَّةٌ" (أبو یعلی الخلیلی قزوینی، ۱۴۰۹، ص. ج ۳، ص ۸۷۳)
- ۷-۱. پس بزرگان حدیثی اهل سنت "ابا صلت هروی" را تقویت و توثیق کرده و علاوه بر قبول روایات وی را نقل کرده‌اند. از او با اوصاف همچون «حافظ»، «رِخَال» (أبو المحاسن، جمال الدین، بی تا، صفحه ج ۲، ص ۲۸۷) «ثقه»، «مامون» (أبو عبد الله الحاكم، ۱۴۱۱ ق، ص. ج ۳، ص ۱۳۷)، «صدوق»، (أبو عبد الله الحاكم، ۱۴۱۱ ق، صفحه ج ۳، ص ۱۳۷) «ضابط» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶ هـ، ص. ج ۶، ص ۳۲۲)، «ادیب»، «فقیه» و «عالم» (الکلبی المزی، ۱۴۰۰، ص. ج ۱۸، ص ۷۳) یاد کرده‌اند. (طبسی، ۱۳۸۳، ص. ۹۸)
- ابن جوزی در طریق ششم "أَحْمَدُ بْنُ سَلَمَةَ أَبُو عَمْرٍو الْجُرْجَانِي" را به نقل از ابن عدی می‌نویسد: که ایشان حدیث را از ثقات به دروغ و باطل نقل می‌کند و حدیث را سرقت می‌کند. این شخص در منابع رجالی اهل سنت متهم به سرقت حدیث از ثقات هست. به نام‌های "احمد بن سلمه ابو عمر کوفی" و "احمد بن سلمه جرجانی" ذکر شده است. ابن عدی جرجانی در مورد ایشان می‌نویسد: که ایشان حدیث را از ثقات به باطل نقل می‌کردند و سرقت می‌کرد و از جمله حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها» را سرقت نموده است. و این حدیث با "ابا صلت هروی" از ابی معاویه شناخته می‌شود که احمد بن سلمه و جماعت دیگری از اباصلت سرقت نموده است. (بن عدی الجرجانی، ۱۴۱۸ هـ، ص. ج ۱، ص ۳۱۱)
۴. در طریق هفتم "سَعِيدُ بْنُ عُقْبَةَ أَبُو الْفَتْحِ الْكُوفِي" را به نقل از ابن عدی مجهول و غیر ثقه می‌داند. این راوی در منابع رجالی اهل سنت مجهول است و بیشترین نقل از ابن عدی است که ایشان غیر ثقه می‌دانند. (بن عدی الجرجانی، ۱۴۱۸ هـ، ص. ج ۴، ص ۴۷۰)
۵. ابن جوزی در طریق هشتم "أَبُو سَعِيدِ الْعَدَوِي" را مورد نقد قرار داده می‌نویسد که او

کذاب است و صریحاً حدیث وضع می کردند. ایشان "الحسن بن علی بن زکریا بن صالح أبو سعید العدوی البصری" است که در منابع رجالی اهل سنت جاعل و کذاب معرفی شده است. (ابن حجر العسقلانی، ا.، ۲۰۰۲ م، ص. ۲، ج. ۲، ص ۲۲۸)

۶. در نهم ابن عباس؛ ابن جوزی "إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ" را به نقل از ابن حبان سارق حدیث و تبدیل کردن آسانید حدیث می داند که احتجاج به آن را جایز نمی داند. ایشان "إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ أَبُو هَارُونَ" و در منابع رجالی اهل سنت توثیق نشده است. (ابی حاتم رازی، ۱۲۷۱ هـ، ص. ۲، ج. ۲، ص ۱۹۶) (ابن حجر العسقلانی، ا.، ۲۰۰۲ م، ص. ۱، ج. ۱، ص ۴۳۲)

۷. در طریق دهم ابن عباس "أَلْحَسَنُ بْنُ عُثْمَانَ" به نقل از ابن عدی واضح حدیث می داند. در رجال اهل سنت چندین نفر به نام "حسن ابن عثمان" آمده است و ابن عدی در مورد "الحسن بن عثمان بن زیاد بن حکیم. أَبُو سَعِيدِ التَّسْتَرِيِّ" می نویسد: «کان عندی یضع، وَیَسْرِقُ حدیث الناس. سألت عبدان الأهوازی عنه فقال هو كذاب.» (بن عدی الجرجانی، ۱۴۱۸ هـ، ص. ۳، ج. ۳، ص ۲۰۷) و دیگران نیز ایشان را ضعیف می داند (ابن حجر العسقلانی، ا.، ۲۰۰۲ م، ص. ۳، ج. ۳، ص ۶۷)

### جمع بندی

با توجه به دیدگاه ابن جوزی که در طریق ابن عباس بیشتر از ضعفاء استفاده نموده است. نسبت سارق به "جعفر بن محمد بغدادی" توسط ابن جوزی صرفاً یک ادعا است و ابن حجر عسقلانی نیز این دیدگاه را نقد می کند که این حدیث از طریق صحیح و حسن نیز وارد شده است. و راوی مجهول است. و در طریق دوم "رجاء بن سلمه" که دو نفر به این اسم هست و یکی ثقه و دیگر مجهول الحال است که پدرش ثقه معرفی شده است. ولی تنها ادعای ابن جوزی در مورد این شخص نسبت سرقت دادن به ایشان هست. و در طریق سوم و چهارم "عُمَرُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُجَالِدٍ" است که از ایشان در سنن ترمذی که یکی از صحاح سته هست پنج حدیث از ایشان نقل می کند و در آخر آن را صحیح و حسن می داند. در طریق پنجم "أَبُو الصَّلْتِ عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحِ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ مَيْسَرَةَ الْهَرَوِي" آمده است که بزرگان اهل سنت ایشان را تقویت و توثیق کرده اند و علاوه بر قبول روایات وی از او با اوصاف همچون «حافظ»، «رَحَال»، «ثقه»، «مامون»، «صدوق»، «ضابط»، «ادیب»، «فقیه» و «عالم» یاد کرده

بررسی دیدگاه ابن جوزی در باره حدیث «انامدینة العلم و علی بابها» از منظر علما اهل سنت □ ۹۱

اند. و از طریق هفتم تا دهم راویان "سَعِيدُ بْنُ عَقَبَةَ أَبُو الْفَتْحِ الْكُوفِيُّ؛ أَبُو سَعِيدِ الْعَدَوِيِّ؛ إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ؛ الْحَسَنُ بْنُ عُثْمَانَ" توثیق نشده است بلکه تصریح به کذاب و سارق بودن آنان شده است.

### ۳. طریق جابر

جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه این حدیث را از دو طریق از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند:

۱-۳. فَأَنْبَأَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَحْمَدَ السَّمَرَقَنْدِيُّ قَالَ أَنْبَأَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَسْعَدَةَ قَالَ أَنْبَأَنَا حَمْرَةُ بْنُ يُونُسَ قَالَ أَنْبَأَنَا أَبُو أَحْمَدَ بْنِ عَدِي قَالَ حَدَّثَنَا النُّعْمَانُ ابْنُ بَكْرٍ الْبَلَدِيُّ وَمُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمُؤَمَّلِ وَعَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ مُحَمَّدٍ ح. وَأَنْبَأَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَنْبَأَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ أَنْبَأَنَا أَبُو طَالِبٍ يَحْيَى بْنُ عَلِيٍّ ابْنُ الدُّسْكَرِيِّ قَالَ أَنْبَأَنَا أَبُو بَكْرٍ بْنُ الْمُقَرِّيِّ قَالَ أَنْبَأَنَا أَبُو الطَّيِّبِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ الدَّقَاقُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَبُو جَعْفَرٍ الْمُكْتَبُ قَالَ أَنْبَأَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ قَالَ أَنْبَأَنَا سُفْيَانُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ خَيْثَمٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ابْنِ بَهْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ الْحُدَيْبِيَّةِ وَهُوَ آخِذٌ بِيَدِي عَلِيٍّ وَقَالَ ابْنُ عَدِي آخِذٌ بِضَنْعِ عَلِيٍّ " هَذَا أَمِيرُ الْبَرَّةِ وَقَاتِلُ الْفَجْرَةِ، مَنْصُورٌ مَنْ نَصَرَهُ، مَخْذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ يَمُدُّ بِهَا صَوْتَهُ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بِأَبْهَاءِ فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ وَقَالَ ابْنُ عَدِيٍّ فَمَنْ أَرَادَ الدَّارَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ ".

۲-۳. وَقَدْ رَوَاهُ أَحْمَدُ بْنُ طَاهِرٍ بْنُ حَزْمَلَةَ بْنِ يَحْيَى الْمِصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ مِثْلَهُ سِوَاءً، إِلَّا أَنَّهُ قَالَ " فَمَنْ أَرَادَ الْحُكْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ ".

### نقد و بررسی دیدگاه ابن جوزی در طریق جابر

۱. در طریق اول جابر شخص به نام "احمد بن عبدالله المكتب" آمده است که ابن عدی ایشان را جاعل می‌داند. اسم کامل ایشان "احمد بن عبد الله بن يزيد المؤدب" است که در مورد ایشان واضح حدیث می‌داند و بعد از ذکر سند کامل حدیث مدینه العلم می‌نویسد: «هَذَا حَدِيثٌ مُنْكَرٌ مُؤْضَعٌ، لَا أَعْلَمُ رَوَاهُ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ إِلَّا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمَوْدُبِ هَذَا.» و این

بیان ابن عدی در صورت است که این حدیث اسناد صحیح دیگری نیز دارد. (بن عدی البرجانی، ۱۴۱۸هـ، ص. ۱، ج. ۱) و ابن حبان ایشان را در الضفعاء نموده است. (ابوحاتم دارمی، ۱۳۹۶هـ، ص. ۱، ج. ۱) ص ۱۵۳

۲. در طریق دوم جابر "أحمد بن طاهر بن حرملة" که ابن عدی ایشان را اکذب الناس می داند. این شخص در منابع اهل سنت تکذیب شده است و اشخاص مانند ابن حبان و ابن عدی و دارالقطنی و ابن حجر عسقلانی او را غیر ثقة و کذاب می دانند. (بن حجر العسقلانی، ۲۰۰۲ م، ص. ۱، ج. ۱) ص ۱۸۹

### مرحله دوم موضوع دانستن اصل حدیث

۱. ابن جوزی بعد از بیان حدیث جابر می نویسد: « هَذَا حَدِيثٌ لَا يَصِحُّ مِنْ جَمِيعِ الْوُجُوهِ. » و هم چنین از یحیی بن معین نقل می کند « هَذَا الْحَدِيثُ كَذِبٌ لَيْسَ لَهُ أَصْل. »
۲. ابن جوزی از ابن عدی می نویسد « هَذَا الْحَدِيثُ مَوْضُوعٌ يَعْرِفُ بِأَبِي الصَّلْتِ، وَقَدْ رَوَاهُ جَمَاعَةٌ سَرَقُوهُ مِنْهُ. » و از ابن حبان می نویسد: « هَذَا خَيْرٌ لَا أَصْلَ لَهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَيْسَ مِنْ حَدِيثِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَلَا مُجَاهِدٍ وَلَا الْأَعْمَشِ وَلَا حَدِيثِ بِهِ أَبُو مُعَاوِيَةَ، وَكُلٌّ مِنْ حَدِيثِ بَهَذَا الْمَثْنِ إِنَّمَا سَرَقَهُ مِنْ أَبِي الصَّلْتِ وَإِنْ قَلْبَ إِسْنَادِهِ. » و از احمد حنبل نقل در مورد این حدیث سؤال شد گفت: « قبح الله أبا الصلت » و دارالقطنی جماعتی که این حدیث را از اباصلت سرقت نموده نام می برد " عمر بن اسماعیل بن خالد، محمد بن جعفر بغدادی، محمد بن یوسف، شیخ شامی. و این ها کسانی هست که این حدیث را از ابی صلت سرقت نموده است. و ابن حبان نفر پنج را اضافه نموده که عثمان بن خالد می باشد. و ابن عدی نفر ششم را اضافه می کند که این حدیث را از ابی صلت سرقت نموده و ابی صلت هروی این حدیث را از ابی معاویه نقل می کند که از ثقات هست. ولی در مورد اباصلت می نویسد « وَكَانَ يَحْدُثُ عَنِ الثَّقَاتِ بِالْبَوَاطِيلِ. » و در آخر این جوزی چند نفر را اضافه می کند و نتیجه می گیرد « وَالْحَدِيثُ لَا أَصْلَ لَهُ. » (الجوزی، ۱۳۸۶ هـ، ص. ۱، ج. ۱) ص ۳۵۵

### نقد و بررسی دیدگاه ابن جوزی در اصل حدیث مدینه العلم

ابن بحث نتیجه کل نقد ابن جوزی بر اسانید این حدیث می‌باشد که اصل حدیث را هدف قرار داده است. و نظر بزرگان اهل سنت را در مورد اباصلت هروی در نقد بررسی سندی دیدگاه ابن جوزی در طریق پنجم ابن عباس نقل کردیم و در اینجا فقط اشاره می‌کنیم.

بزرگان حدیثی اهل سنت "ابا صلت هروی" را تقویت و توثیق کرده و علاوه بر قبول روایات وی را نقل کرده‌اند. از او با اوصاف همچون «حافظ»، «رِخَال» (أبو المحاسن، جمال الدین، بی تا، صفحه ۲، ص ۲۸۷) «ثقه»، «مامون» (أبو عبد الله الحاكم، ۱۴۱۱ق، ص ۳، ص ۱۳۷)، «صدوق»، (أبو عبد الله الحاكم، ۱۴۱۱ق، صفحه ۳، ص ۱۳۷) «ضابط» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶هـ، ص ۶، ص ۳۲۲)، «ادیب»، «فقیه» و «عالم» (الکلبی المزی، ۱۴۰۰، ص ۱۸، ص ۷۳) یاد کرده‌اند. (طیسی، ۱۳۸۳، ص ۹۸)

و اما در اینکه این حدیث اصل و ریشه دارد و یا حدیث واضع و جعلی است. به دو صورت مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. با توجه به بررسی سندی که ابن جوزی نقل نموده است ارزیابی شد خود دلالت دارد که این حدیث دارای اصل و ریشه می‌باشد.

۱-۲. چراکه چنانچه گذشت "محمد بن عمر بن عبدالله رومی" در طریق اول حضرت علی علیه السلام که ابن جوزی به نقل از ابن حبان ضعیف می‌داند. در حالیکه ابن حبان ایشان را در الثقات آورده است. و همچنین در صحیح ترمذی از ایشان دو روایت نقل نموده و تصریح به حسن آن نموده است. و در طریق چهارم حضرت علی علیه اسلام "محمد بن قیس اسدی" است که ابن جوزی ایشان را مجهول می‌داند ولی ایشان را ابن حبان و ابن حجر عسقلانی و ابی حاتم رازی ثقه می‌داند. و ترمذی نیز در صحاح از ایشان روایت می‌کند.

۱-۳. هم چنین سه طریق از ابن عباس که ابن جوزی نقل می‌کند صحیح است. چراکه در طریق سوم و چهارم "عُمَرُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُجَالِدٍ" که یحیی بن معین او را کذاب دانسته است. اسم کامل ایشان "عُمَرُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُجَالِدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَمْدَانِي" که بسیاری از بزرگان اهل سنت ایشان را ضعیف می‌داند. ولی در سنن ترمذی که یکی از صحاح سته هست پنج حدیث

از ایشان نقل می‌کند و در آخر آن را صحیح و حسن می‌داند. (ترمذی، ۱۴۱۹ ه. ق. ج ۴؛ ص ۳۱۰ و ۳۷۷، ج ۵؛ ص ۱۹۹ و ۳۰۸ و ۴۳۰). در طریق پنجم "أبو الصلت عَبْدُ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ مَيْسَرَةَ الْهَرَوِيَّ" را ابن جوزی کذاب دانسته و ایشان را جاعل حدیث بر "ابی معاویه" دانسته است. ولی بزرگان اهل سنت "ابا صلت هروی" را توثیق نموده حتی بعضی صریح گفته‌اند که ابا صلت هروی جرمی جز شیعه بودن ندارد. پس این حدیث اصل و ریشه دارد و صحیح می‌باشد کما اینکه ابن حجر عسقلانی در پاسخ ذهبی که این حدیث را موضوع می‌داند می‌نویسد « وهذا الحديث له طرق كثيرة في مستدرک الحاكم أقل أحوالها أن يكون للحديث أصل فلا ينبغي أن يطلق القول عليه بالوضع » (ابن حجر العسقلانی، ۱، ۲۰۰۲ م، ج ۲، ص ۴۶۵).

۲. جمعی از بزرگان اهل سنت به صحت و حسن بودن این حدیث تصریح نموده‌اند و دیدگاه کسانی را که این حدیث مدینه العلم را تضعیف نموده‌اند را صحیح نمی‌دانند.

۱-۲. حافظ ابوزکریا یحیی بن معین بغدادی متوفای ۲۳۳ ق این حدیث را صحیح دانسته. (أبو عبد الله الحاكم، ۱۴۱۱ ق، ص ۳، ج ۳) و چنانچه خطیب و ابوالحاج مزنی و ابن حجر و غیر ایشان نیز صحیح دانسته‌اند.

۲-۲. حاکم نیشابوری م ۴۰۵ ق. در مستدرک صحیحین در مورد این حدیث می‌نویسد: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ، وَلَمْ يَخْرَجَاهُ. (أبو عبد الله الحاكم، ۱۴۱۱ ق، ص ۳، ج ۳) و نیز در جای دیگر در مورد همین حدیث می‌نویسد: « وَلِهَذَا الْحَدِيثِ شَاهِدٌ مِنْ حَدِيثِ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ. » (أبو عبد الله الحاكم، ۱۴۱۱ ق، ص ۳، ج ۳، ص ۱۳۷)

۳-۲. ابن حجر هیتمی در صواعق المحرقة بعد از ذکر این حدیث می‌نویسد: مردم در مورد این حدیث اخلاف کرده‌اند. بعضی مانند ابن جوزی و نووی آن را جعلی دانسته‌اند. و بعضی مانند حاکم آن را صحیح دانسته است و بعضی از متأخرین از محدثین این حدیث را حسن دانسته است. (ابن حجر هیتمی، ۱۴۱۷ ه. ص ۲، ج ۳، ص ۳۵۸)

۴-۲. محمد بن جریر طبری در کتاب تهذیب الآثار در مورد این حدیث می‌نویسد: « وَهَذَا خَبْرٌ صَحِيحٌ سَنَدُهُ. »

۵-۲. جلال الدین سیوطی در جمع الجوامع در مورد این حدیث می‌نویسد: این حدیث



بررسی دیدگاه ابن جوزی در باره حدیث «انامدینة العلم و علی بابها» از منظر علما اهل سنت □ ۹۵

را ترمذی در صحیح نقل کرده و گفته که این حدیث غریب است. و ابن جریر طبری این حدیث را صحیح دانسته است. و ابن جوزی در الموضوعات این حدیث را از حضرت علی و ابن عباس نقل کرده است. و حاکم در مستدرک این حدیث را از ابن عباس نقل کرده و گفته این حدیث اسنادش صحیح است. و خطیب بغدادی در تاریخش الکامل از یحیی بن معین نقل نموده که در مورد حدیث از ابن عباس سؤال شد گفت این حدیث صحیح است. و ابن حجر در لسان المیزان آورده که برای این حدیث طرق زیادی در مستدرک حاکم نقل شده است و کمترین چیزی که باید گفت این است که برای حدیث اصل است و سزاوار نیست که به صورت مطلق بگوییم این حدیث جعل شده است. و در فتوی گفته که این حدیث را مستدرک نقل کرده و فرموده که صحیح هست. (بن حجر العسقلانی، ۲۰۰۲ م. ص. ۲، ج. ۲، ص. ۴۶۵) و لکن ابن جوزی این حدیث را در الموضوعات دروغ دانسته است. و حق این خلاف این دو قول است و این حدیث از اقسام حسن می باشد. (سیوطی، ۱۴۲۶ هـ. ص. ۱۸، ج. ۱، ص. ۴۴۵)

۶-۲. صلاح الدین علائی در «النقد الصحیح لما اعترض من أحادیث المصاییح» بعد از تبیین موافقین و مخالفین حدیث مدینه العلم می نویسد: که این حدیث با تمامی اسنادش به طریق ابی معاویة و شریک به درجه حسن می رسد که احتجاج به آن صحیح بود و ضعیف نیست تا چه رسد به اینکه جعلی باشد. و آنچه در الموضوعات ذکر شده شدن در مورد این دو سند طعنی مؤثر نیست. (صلاح الدین العلائی، ۱۴۰۵ هـ. ص. ۵۵)

۷-۲. متقی هندی در کنز العمال بعد از تبیین اختلاف در مورد سند حدیث مدینه العلم می نویسد: من قطع پیدا کردم به ارتقاء این حدیث از رتبه حسن به رتبه صحیح. (متقی الهندی، ۱۴۰۱ هـ. ص. ۱۳، ج. ۱۳، ص. ۱۴۹)

۸-۲. محمد سخاوی بعد از تبیین دیدگاه موافق و مخالف در مورد این حدیث می نویسد: که بهترین طرق که در این حدیث ذکر شده طریق ابن عباس می باشد بلکه این حدیث حسن است و ترمذی و نسائی و ابن ماجه نیز این حدیث را نقل نموده است. (محمد السخاوی، ۱۴۰۵ هـ. ص. ۱۷۰)

۹-۲. علامه امینی ره در کتاب الغدیر ۱۴۳ نفر از علمای اهل سنت را نام می برند که این

حدیث را نقل کرده‌اند. و ۲۰ نفر تصریح بر صحت این حدیث نموده است. (علامه الامینی رحمته الله ش. ۱۴۱۶، ق. ۶، ص. ۸۷-۱۱۳)

### دیدگاه علمای اهل سنت در مورد کتاب الموضوعات ابن جوزی

علمای بزرگ حدیثی هم چون نووی، ابن صلاح، ابن جماعه، زین عراقی، ابن کثیر، ابن حجر، سخاوی، سیوطی کتاب الموضوعات ایشان را موردنقد قرار داده‌اند.

ابن کثیر می‌نویسد: شیخ ابوالفرج ابن جوزی کتابی را تألیف کرده که روایات جعلی فراوانی را در آن ذکر شده است، اما احادیث غیر جعلی را نیز در آن آورده و آنچه را که لازم بوده بیان کند نیاورده است، به همین دلیل در این کار اشتباه نموده و به راه درست نرفته است. (أبو الفداء، ۷۷۴ق، صفحه ۷۹)

ابن حجر پس از اثبات صحت حدیث «سد الابواب الا باب علی علیه السلام» که ابن جوزی آن را در الموضوعات در شمار احادیث جعلی آورده می‌گوید: وی در این زمینه خطای زشتی مرتکب شده است. و در ادامه می‌نویسد که تقوا ایجاب می‌کند که در چنین مواردی حکم به بطلان حدیث نکنیم بلکه باید درباره آن توقف کرده و نظر ندهیم. (ابن حجر العسقلانی، م. ۱۴۰۱، ق. ۱۶، ص. ۱۶)

سخاوی با اظهارنظر در مورد کتاب الموضوعات می‌نویسد: ابن جوزی حتی احادیث حسن و صحیحی را که در یکی از دو صحیح بخاری و مسلم نقل شده، در کتاب الموضوعات خود ذکر نموده و آن را جعلی دانسته است تا چه رسد به احادیث کتب دیگر. و این گونه گشاده‌دستی در تعیین احادیث جعلی غیرقابل قبول و بسیار زیان‌بار است چون احادیث را جعلی دانسته؛ که نه تنها جعلی نیست بلکه از احادیث صحیح به شمار می‌آید. ... از همین رو علما به طور اجمال کلیت کار ابن جوزی را مورد انتقاد قرار داده‌اند. چراکه وی در بررسی احادیث بیشتر موارد به یکی از سندهای تکیه کرده که در طریق نقل این روایت یک راوی متهم به دروغ دارد. اما وی از سندهای دیگر آن حدیث غافل مانده است. (السخاوی، ۱۴۲۴ه. ص. ۱، ج. ۱، ص. ۲۳۶)

### نتیجه

ابن جوزی با بر بررسی راویان این حدیث چنین نتیجه می‌گیرد که این حدیث ریشه ندارد و موضوع می‌باشد. اگر اکثر راویان که ایشان آورده است از طبقه ضعفا است. ولی بعضی اسنادش درست می‌باشد. و این ادعای که حدیث مدینه العلم جعلی است و اصل و ریشه ندارد صحیح نمی‌باشد چراکه طبق سند خود ابن جوزی در الموضوعات این حدیث اصل و ریشه دارد و صحیح می‌باشد. اینکه چندین راوی ضعیف حدیثی را که طریق صحیح دیگر دارد نقل نکنند سبب نمی‌شود که آن حدیث جعلی باشد بلکه راویان آن ضعیف هست. نسبت ایشان به بعضی راویان و از جمله "ابا صلت هر وی" نسبت نادرست هست چراکه ایشان بر نظر بزرگان اهل سنت ثقة و امین و فقیه و ادیب و ضابط می‌باشد. همچنین این حدیث را برخی دیگری از بزرگان اهل سنت صحیح و حسن دانسته‌اند و تصریح به اصالت این حدیث نموده‌اند. دیدگاه کسانی که این حدیث را موضوع دانسته است نقد نموده‌اند. پس این اسناد صحیح دارد و همچنین اصل و ریشه دارد. دیدگاه کسانی که این حدیث را جعلی می‌دانند؛ صحیح نمی‌باشند.

## کتابنامه

- .....
- ابن حبان، م. (١٣٩٣ هـ). الثقات. (الدكتور محمد عبد المعید خان، تدوین) هند: وزارة المعارف للحكومة العالية الهندية.
- ابن حجر العسقلانی، أ. ا. (٢٠٠٢ م). لسان المیزان. (عبد الفتاح أبو غدة، تدوین) بی جا: دار البشائر الإسلامية؛ الطبعة: الأولى.
- ابن حجر العسقلانی، أ. م. (١٤٠١ ق). القول المسدد فی الذب عن المسند للإمام أحمد. القاهرة: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الأولى.
- ابن حجر عسقلانی، أ. م. (١٣٢٦ هـ). تهذیب التهذیب. هند: مطبعة دائرة المعارف النظامية، الطبعة الاولى.
- ابن حجر هیتمی، شهاب الدین شیخ الإسلام، أبو العباس، أ. ب. (١٤١٧ هـ). الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة. (عبد الرحمن بن عبد الله التركي، و ٢٠٠٠ م) كامل محمد الخراط، تدوین كندگان) لبنان: مؤسسة الرسالة.
- ابن شاهین، أ. م. (١٤٠٤ ق). تاریخ أسماء الثقات. (صبحی السامرائی، تدوین) الكويت: الدار السلفية - الطبعة: الأولى.
- أبو الفداء، إ. ٧. (٧٧٤ ق). اختصار علوم الحديث. (أحمد محمد شاکر، تدوین) بیروت - لبنان: دار الكتب العلمية.
- أبو المحاسن، جمال الدین، ی. (بی تا). النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة. مصر: وزارة الثقافة والإرشاد القومي، .
- ابو جعفر طبری، م. م. (بی تا). تهذیب الآثار وتفصیل الثابت عن رسول الله من الأخبار. (محمود محمد شاکر، تدوین) القاهرة: مطبعة المدنی.
- أبو زکریا، ی. (١٤٠٥ ق). معرفة الرجال عن یحیی بن معین. (القصار - الحافظ - بدير، تدوین) بی جا: مجمع اللغة العربية بدمشق.
- أبو عبد الله الحاكم، م. ا. (١٤١١ ق). المستدرک علی الصحیحین. (مصطفى عبد القادر عطا، تدوین) بیروت: دار الكتب العلمية.
- أبو عبد الله، م. (. (١٤٠٩ - ١٩٨٩). الأدب المفرد. بیروت: دار البشائر الإسلامية لطبعة: الثالثة.

بررسی دیدگاه ابن جوزی در باره حدیث «انامدینة العلم و علی بابها» از منظر علما اهل سنت □ ۹۹

- أبو یعلی الخلیلی قزوینی، خ. م. (۱۴۰۹). الإرشاد فی معرفة علماء الحدیث. (د. محمد سعید عمر إدیس، تدوین) ریاض: مكتبة الرشد، الطبعة الأولى.
- ابوحاتم دارمی، م. (۱۳۹۶هـ). المجروحین من المحدثین والضعفاء والمترکین. (محمود إبراهیم زاید، تدوین) سوریه- حلب: دار الوعی - الطبعة: الأولى.
- ابی حاتم رازی، أ. (۱۲۷۱ هـ). الجرح والتعديل. حیدرآباد الدکن - الهند: طبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية، الطبعة: الأولى .
- الألبانی، أ.ع. (۱۴۱۲هـ). سلسلة الأحادیث الضعيفة والموضوعة وأثرها السیئ فی الأمة. الممکلة العربية السعودية: دار المعارف، الرياض.
- الجوزی، ج. (۱۳۸۶ هـ). الموضوعات. (عبد الرحمن محمد عثمان، تدوین) مدينة المنورة الطبعة: الأولى: محمد عبد المحسن صاحب المكتبة السلفية بالمدينة المنورة الطبعة: الأولى.
- الذهبی، ش. ا. (۱۳۸۲ هـ). میزان الاعتدال فی نقد الرجال. (ع. البجاوی، تدوین) بیروت - لبنان: دار المعرفة للطباعة والنشر.
- السخاوی، ش. م. (۱۴۲۴هـ). فتح المغیث بشرح الفیة الحدیث للعراقیل. (علی حسین علی، تدوین) مصر: مكتبة السنة، الطبعة: الأولى.
- الشاطبی، إ. (۱۴۲۹ هـ - ۲۰۰۸ م). الاعتصام. المملكة العربية السعودية: دار ابن الجوزی للنشر والتوزیع، الطبعة: الأولى.
- العجلی الكوفی، أ. م. (۱۴۰۵ هـ). تاریخ الثقات. بی جا: دار الباز الطبعة: الطبعة الأولى .
- الكلبی المزی، ی. م. (۱۴۰۰). تهذیب الكمال فی أسماء الرجال. (بشار عواد معروف، تدوین) بیروت: مؤسسة الرسالة.
- بن حجر العسقلانی، أ. م. (۲۰۰۲ م). لسان المیزان. (عبد الفتاح أبو غدة، تدوین) بی جا: دار البشائر الإسلامية الطبعة الأولى.
- بن عدی الجرجانی، أ. (۱۴۱۸هـ). الكامل فی ضعفاء الرجال. (عادل أحمد عبد الموجود-علی محمد معوض، تدوین) بیروت-لبنان: الكتب العلمية.
- ترمذی، م. (۱۴۱۹ هـ. ق). الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی. مصر - قاهره: دار الحدیث- چاپ: ۱، .
- خطیب البغدادی، أ. ا. (۱۴۲۲ هـ). تاریخ بغداد. (الدكتور بشار عواد معروف، تدوین) بیروت:

دار الغرب الإسلامی، الطبعة: الأولى .

سیوطی، ج. م. ۹- (۱۴۲۶ هـ). جمع الجوامع المعروف بـ «الجامع الكبير». (مختار إبراهيم الهائج، عبد الحمید محمد ندا، رحمته حسن عیسی عبد الظاهر، تدوین کنندگان) القاهرة - جمهورية مصر العربية: الأزهر الشريف،.

صلاح الدین العلامی، أ. م. (۱۴۰۵ هـ). النقد الصحيح لما اعترض من أحاديث المصاييح. (عبد الرحمن محمد أحمد القشقری، تدوین) بی جا: بی نا.

طیبسی، ن. و. رحمته طیبسی، م. (۱۳۸۹). مذهب اباصت هروی از دیدگاه فریقین. پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی (طلوع نور، سال نهم پاییز ۱۳۸۹ شماره ۳۳، ۶-۲۴).

طیبسی، م. (۱۳۸۳). جایگاه روایی اباصت هروی از دیدگاه فریقین. پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی (طلوع نور سابق)، ۲۲. بازیابی از <http://ensani.ir/fa/article/214539>

علامه الامینی، ع. ا. و. رحمته ش. م. ا. (۱۴۱۶ ق). الغدير في الكتاب و السنة و الأدب. قم چاپ: آول: مركز الغدير للدراسات الاسلاميه.

متقی الهندی، ع. م. (۱۴۰۱ هـ). كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال. (بكری حیانی، رحمته صفوة السقا، تدوین کنندگان) بی جا: مؤسسة الرسالة، الطبعة الخامسة.

محمد السخاوی، ش. م. (۱۴۰۵ هـ). المقاصد الحسنة في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة على الألسنة. (محمد عثمان الخشت، تدوین) بیروت: دار الكتاب العربي - الطبعة: الأولى،.

مسلم بن حجاج. (۱۴۱۲ هـ). صحيح مسلم. (م. عبد الباقي، تدوین) مصر - قاهره: دار الحديث. نسائی، ا. (۱۴۱۱ هـ). السنن الكبرى. (ع. بنداری، تدوین) بیروت - لبنان: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون.